یادداشت

پزشکیان و آزمون وعده‌ها اعتماد عمومی فرمان نمی‌پذیرد

سیدعلی مجتهدزاده
وکیل پایه یک دادگستری

دستور رئیس‌جمهور پزشکیان به وزیر کشور برای گفت‌وگو با معترضان و بررسی و تحقیق درباره وقایع رخ‌داده در ایلام، در فضایی صادر شده که جامعه ایرانی با بحران مزمن بی‌اعتمادی و خاطرات حل‌نشده از مواجهه‌های پیشین با اعتراضات روبه‌روست. از منظر حقوق عمومی، این دستور را باید اقدامی مثبت و در مسیر انجام وظیفه دانست؛ اما تجربه‌های انباشته‌شده نشان می‌دهد که صرف صدور دستور، بدون تکمیل الزامات حقوقی و مدنی آن، نه اعتماد می‌آفریند و نه خشونت را مهار می‌کند.

پزشکیان، چه در دوران نمایندگی مجلس و چه در جریان رقابت‌های انتخاباتی، بارها بر حق اعتراض، ضرورت شنیدن صدای مردم و پرهیز از برخورد قهری با معترضان تأکید کرده بود. او تصریح کرده بود که نمی‌توان با باتوم و گلوله، مسئله اجتماعی را حل کرد. اکنون، تحقق عملی این مواضع، نیازمند چیزی فراتر از دستور اداری است؛ نیازمند بازکردن میدان آزادی‌های مدنی و به رسمیت شناختن نقش افکار عمومی در فرایند حقیقت‌یابی است. در هر نظام حقوق اساسی، آزادی بیان و مطبوعات نه یک امتیاز اعطایی از سوی حاکمیت، بلکه یکی از پایه‌های نظم عمومی مشروع است. اصل ۲۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌صراحت اعلام می‌کند که نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند. این اصل، آزادی رسانه را به‌عنوان قاعده و محدودیت را به‌عنوان استثنا تعریف کرده است. بااین‌حال، در عمل، مواجهه دولت‌ها با اعتراضات، اغلب به‌گونه‌ای بوده که نخستین قربانی آن، جریان آزاد اطلاعات و حق دانستن مردم بوده است. تجربه نشان داده هر زمان رسانه‌ها از پوشش مستقل وقایع محروم شده‌اند، میدان به شایعات، روایت‌های غیررسمی و خشونت‌زا واگذار شده است.

سؤال این است که چرا بدون مطبوعات آزاد، بررسی وقایع بی‌ثمر است؟ بررسی وقایعی مانند ایلام، اگر بدون حضور فعال رسانه‌ها و خبرنگاران مستقل انجام شود، حتی اگر به نتایج دقیقی برسد، در سطح اجتماعی بی‌اثر خواهد بود. دلیل آن روشن است: افکار عمومی به گزارش‌هایی که امکان نظارت و راستی‌آزمایی مستقل نداشته باشند، اعتماد نمی‌کند. آزادی مطبوعات، از منظر حقوق عمومی، سه کارکرد حیاتی دارد: اول نظارت بر قدرت و جلوگیری از انحصار روایت، دوم کاهش خشونت از طریق شفاف‌سازی و مهار خشم اجتماعی و سوم ایجاد امکان پاسخ‌گویی واقعی برای نهادهای مسئول. محدودکردن رسانه‌ها، به بهانه حفظ نظم، در عمل به تضعیف همان نظمی می‌انجامد که قرار است حفظ شود. مضافا به یاد داشته باشیم که ما به دلایل متعددی با چند دهه انباشت و گسترش بی‌اعتمادی در سطح کشور مواجه هستیم که پدیده‌ای انکارنشدنی است؛ چراکه دولتمردان ما عمدتا فراموش کرده بودند که امنیت بدون آزادی، امنیتی شکننده و موقتی است. گفت‌وگو با معترضان، زمانی معنا دارد که معترضان از حداقلی از امنیت مدنی برخوردار باشند. اصل ۲۷ قانون اساسی، حق تجمع و اعتراض مسالمت‌آمیز را تضمین کرده است. گفت‌وگویی که در سایه تهدید یا محدودیت‌های رسانه‌ای انجام شود، گفت‌وگو نیست؛ ابلاغ نظر از بالا به پایین است. از این منظر، آزادی‌های مدنی نه مطالبه‌ای سیاسی، بلکه شرط تحقق گفت‌وگوی مؤثر و کاهش تنش اجتماعی است. دولتی که مدعی اصلاح رویکرد در مواجهه با اعتراضات است، ناگزیر باید این آزادی‌ها را از سطح شعار به سطح سیاست عملی ارتقا دهد.

تجربه‌های تلخ گذشته در کشور ما نشان می‌دهند که همواره سکوت برابر سؤالات مبنایی افکار عمومی در این بزنگاه‌ها، اعتماد را می‌سوزاند. پرونده‌های بی‌پاسخی مانند ماجرای «پلیس‌نماها» در اعتراضات ۱۴۰۱ که هیچ‌گاه توضیح روشن و مستندی درباره آن به افکار عمومی ارائه نشد، نشان داد که حذف رسانه، چگونه می‌تواند اعتماد عمومی را به‌شدت فرسوده کند. این تجربه‌ها به جامعه آموخته است که صرف دستور، بدون شفافیت و آزادی بیان، اقدامی اعتمادساز نیست؛ چراکه حافظه جمعی، خلأ پاسخ را با بی‌اعتمادی پر می‌کند. دستور رئیس‌جمهور پزشکیان اگر قرار است در تداوم وعده‌های انتخاباتی و مواضع پیشین او معنا پیدا کند، باید به بازگشایی واقعی فضای رسانه‌ای، تضمین آزادی‌های مدنی و ارائه گزارش‌های شفاف و مستقل به افکار عمومی منجر شود. به عبارتی ما در این مقطع نیازمند یک گام حقوقی به نفع آزادی بیان و همین‌طور مسئولیت عمومی مراجع مختلف هستیم. نبود شفافیت و آزادی بیان در کنار مصونیت‌های حقوقی برخی افراد و گروه‌ها یکی از مهم‌ترین دلایل گسترش اعتراضات بوده و خواهد بود.

بدون این مؤلفه‌ها، دستورها می‌آیند و می‌روند، اما بحران اعتماد باقی می‌ماند. دولتی که آزادی بیان و عدالت حقوقی را جدی می‌گیرد، پیش از آنکه اعتراض را مهار کند، خشونت را مهار کرده است.

حزبی متفاوت...

حسن فایضی
عضو مؤسس حزب عهد ایران

احزاب ایران در شرایطی ظهور کردند که جهان غنچه برآورده بود و بلبلان مست بودند. در بهارانی که دولت‌ها سفره‌های رنگینی پهن کرده بودند و سیاست‌پیشگان نیز در کنار آن نشسته و به شکل موسمی و مقطعی فعالیت می‌کردند.

ولی حزب «عهد ایران» در شرایط سیاسی یخبندان و بدون اتکا به مراکز قدرت و ثروت پای به عرصه سیاست گذاشت. «عهد»، برخلاف احزاب دیگر، نه دولت ساخته بلکه برآمده از دل جمعی است که افراد مؤثر آن دارای سابقه دیرین و حرفه‌ای در سیاست‌ورزی هستند. آنچه عهدیان را از دیگر نهادهای سپهر سیاست در ایران مجزا می‌کند، مواجهه حرفه‌ای آنان با سیاست و دانش توأم با پایبندی به منافع و دغدغه‌های ملی است. به قول بزرگی «موفقیت از آن کسانی است که وقتی همه از رکاب‌زدن بازمی‌مانند و متوقف می‌شوند آنان رکاب می‌زنند».

بر این باور، اعضای این حزب در شرایط ویژه کنونی که بی‌تحرکی سیاسی و بی‌رغبتی در مشارکت اجتماعی از مشخصات روزگار ماست؛ سیاست‌ورزی آگاهانه در راستای منافع ملی را چاشنی نظر و عمل خود قرار داده‌اند. اولین کنگره عهدی‌ها با استقبال گرم و شورمندانه اعضا و میهمان‌هایشان علی‌رغم ناهمراهی شرایط جوی و تعطیلی چهارروزه به نحو مطلوب تبدیل به کنگره متفاوت در سپهر سیاسی ایران شد.

به نظر می‌رسد استمرار این حرکت می‌تواند دور تسلسل تاریخ کنش‌های سیاسی در ایران را با آمیختن شور و شعور سیاسی و بهره‌گیری از روش‌های مدارامحور و پرهیز از خشونت و اصلاح‌گری تدریجی وارد دور جدیدی کند.

امید است که این حزب بتواند با ویژگی‌هایی که برشمردم، با اتکای به خداوند متعال و اهتمام جدی اعضای هیئت مؤسس و شورای مرکزی، سرمایه‌های اجتماعی بربادرفته جامعه را نسبت به فعالیت‌های سیاسی و حزبی به نقطه درستی رهنمون شود تا ان‌شاءالله شاهد شکوفایی ملی در این عرصه و پیشرفت در آبادی سرزمینی باشیم.

گزارش «شرق» از رکوردهای جدید قیمت تا تجمع و اعتراض در بازار

بازار در التهاب

موسی موحد: در ادامه اعتراضات این روزها، بازار بزرگ تهران روز سه‌شنبه ۱۶ دی‌ماه شاهد تجمع اعتراضی شماری از کسبه و بازاریان بود. بنا بر گزارش خبرگزاری فارس، این تجمع‌ها که محور اصلی آنها اعتراض به گرانی، نوسانات شدید ارز و بی‌ثباتی بازار عنوان شد، در بخش‌هایی از ناصرخسرو، بازار جعفری و پاساژ شیرازی شکل گرفت. به گفته این گزارش، با وجود شلوغی محل و حضور گسترده عابران، امکان برآورد دقیق جمعیت وجود نداشت، اما حدود ۱۵۰ نفر در محدوده ناصرخسرو شعارهایی با مضمون حمایت از بازار و تثبیت قیمت‌ها سر دادند. با ورود نیروهای انتظامی و استفاده از گاز اشک‌آور، تجمع متفرق و افراد به کوچه‌های اطراف پراکنده شدند. هم‌زمان، تجمع‌های کوچک‌تری نیز در خیابان‌های سعدی، لاله‌زار و بازار آهنگرها شکل گرفت که بدون گسترش پایان یافت. از ظهر دیروز، راسته‌های ۱۵ خرداد، بازار طلا و ناصرخسرو در اعتراض به افزایش نرخ ارز و نبود ثبات قیمتی، به‌صورت مقطعی تعطیل شدند.

خبرگزاری تسنیم هم دیروز سه‌شنبه گزارش داد بیش از ۵۰۰ مأمور پلیس در جریان اعتراض‌های جاری در کشور مجروح شده‌اند. به گزارش این خبرگزاری ۵۶۸ مأمور پلیس و ۶۶ بسیجی در جریان این اعتراض‌ها مجروح شده‌اند. در سوی دیگر برخی گزارش‌های تأییدنشده در شبکه‌های اجتماعی از ۲۹ کشته و ۶۸ زخمی در میان معترضین خبر می‌دهند که هنوز آمار رسمی در این باره منتشر نشده است. اعتراضاتی که از هفتم دی‌ماه و با محوریت مسائل اقتصادی در تهران آغاز شد و به‌تدریج به برخی دیگر از شهرها گسترش یافت، دهمین روز خود را سپری کرد و همچنان زمینه اصلی این اعتراضات، تشدید فشارهای معیشتی، رشد تورم، کاهش ارزش پول ملی و ناپایداری بازار ارز است. ثبت رکوردهای جدید در بازار دیروز، کماکان نشان از یک فضای مبهم می‌دهد.

نکته قابل توجه در دوره جدید اعتراضات، نقش بازار به عنوان یکی از نخستین کانون‌های بروز نارضایتی بود. بازار سنتی تهران که همواره به عنوان شاخصی از تحولات اقتصادی و اجتماعی شناخته می‌شود، با تعطیلی مقطعی واحدها و تجمع‌های محدود، پیام روشنی درباره نگرانی فعالان اقتصادی ارسال کرد. در ادامه، دامنه اعتراض‌ها از بازار فراتر رفت و بخش‌هایی از جامعه شهری، از جمله دانشجویان و برخی صاحبان کسب‌وکارهای کوچک، به آن پیوستند. هرچند مطالبات اولیه ماهیتی اقتصادی داشت، اما در برخی نقاط، شعارها رنگ‌وبوی سیاسی نیز به خود گرفت؛ امری که حساسیت نهادهای مسئول را افزایش داد و ضرورت مدیریت چندلایه این وضعیت را برجسته ساخت.

دولت چهاردهم و مواجهه با مطالبات اجتماعی

در این میان، کارنامه و رویکرد دولت چهاردهم به ریاست مسعود پزشکیان نیز در کانون توجه قرار دارد. دولت پزشکیان که در شرایطی دشوار از نظر اقتصادی و اجتماعی مسئولیت را برعهده گرفت، از ابتدای فعالیت خود بر گفت‌وگو با جامعه، شنیدن مطالبات و پرهیز از برخوردهای پرهزینه تأکید کرده است. در مواجهه با اعتراضات اخیر نیز، مقامات دولتی بارها بر لزوم تفکیک مطالبات صنفی و اقتصادی از رفتارهای تنش‌زا و بر اهمیت پاسخ‌گویی به دغدغه‌های معیشتی مردم تأکید کرده‌اند.

فارغ از ارزیابی‌ها درباره عملکرد دولت در حوزه کنترل تورم، مدیریت بازار ارز و بهبود معیشت، شواهد نشان می‌دهد رویکرد کلی دولت چهاردهم تلاش برای حفظ کانال‌های ارتباطی با جامعه و کاهش شکاف میان دولت و اقشار مختلف بوده است. تأکید بر گفت‌وگو با نمایندگان اصناف، پیگیری مطالبات صنفی از مسیرهای قانونی، تلاش برای ایجاد ثبات نسبی در بازار و نیز اقداماتی مانند اعزام هیئت ویژه وزارت کشور برای بررسی برخی اتفاقات مانند آنچه در ایلام گذشت، بخشی از این رویکرد محسوب می‌شود. با این حال، تداوم فشارهای اقتصادی و انتظارات فزاینده جامعه نشان می‌دهد صرف اعلام مواضع کافی نیست و نیاز به اقدامات ملموس و مؤثر بیش از پیش احساس می‌شود.

تحولات اخیر بازار تهران و تداوم اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ را می‌توان نشانه‌ای هشداردهنده از تشدید چالش‌های اقتصادی و اجتماعی دانست. مدیریت این وضعیت، مستلزم ترکیبی از سیاست‌های اقتصادی کارآمد، گفت‌وگوی اجتماعی مستمر و پرهیز از رویکردهای پرتنش است. تجربه‌های پیشین نشان داده است توجه به مطالبات واقعی جامعه و تقویت اعتماد عمومی، می‌تواند نقش مهمی در عبور از مقاطع حساس ایفا کند؛ امری که در شرایط کنونی بیش از هر زمان دیگری اهمیت یافته است.

توازن میان الزامات داخلی، فشارهای خارجی و حفظ ثبات کشور

در شرایط کنونی، مجموعه‌ای از تحولات هم‌زمان داخلی و منطقه‌ای، موقعیت تهران را در وضعیتی پیچیده و چندلایه قرار داده است. هم‌پوشانی ناآرامی‌های اجتماعی در داخل با مسئله نفوذ منطقه‌ای، نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی با نوعی «فشردگی راهبردی» روبه‌روست؛ وضعیتی که در آن، ظرفیت مانور در داخل و خارج به‌طور هم‌زمان محدود شده است. جنگ ۱۲روزه تابستان گذشته با اسرائیل، نقطه عطفی تعیین‌کننده در این مسیر بود. این درگیری، که با ورود مستقیم ایالات متحده و حملات به برخی تأسیسات حساس ایران به اوج رسید، نه‌تنها هزینه‌های دفاعی و فنی قابل توجهی بر کشور تحمیل کرد، بلکه پیامدهای آن به‌سرعت به حوزه ژئوپلیتیک منطقه‌ای نیز سرایت یافت. تضعیف برخی زیرساخت‌ها، همراه با افزایش فشارهای خارجی، هم‌زمان با کاهش عمق راهبردی تهران در منطقه رخ داد.

در این چارچوب، تلاش بازیگران خارجی برای بهره‌برداری سیاسی و رسانه‌ای از ناآرامی‌های داخلی است. آمریکا و اسرائیل در مقاطع مختلف نشان داده‌اند که اعتراضات اجتماعی در ایران را نه صرفا به عنوان یک پدیده داخلی، بلکه به‌مثابه اهرمی برای افزایش فشار راهبردی بر تهران می‌نگرند. در شرایط فعلی، هم‌زمانی ناآرامی‌های داخلی با کاهش نفوذ منطقه‌ای ایران، زمینه‌ای فراهم کرده که این دو بازیگر با شدت و تمرکز بیشتری بر «موج‌سواری سیاسی» از اعتراضات تمرکز کنند.

این رویکرد بیش از آنکه معطوف به حمایت واقعی از مطالبات اجتماعی باشد، در چارچوب جنگ روایت‌ها و تشدید فشارهای دیپلماتیک، اقتصادی و روانی قابل فهم است. برجسته‌سازی اعتراضات در رسانه‌های بین‌المللی، ارسال پیام‌های سیاسی و تهدیدآمیز و تلاش برای پیوند‌دادن نارضایتی‌های داخلی با پرونده‌های امنیتی و منطقه‌ای، همگی نشان‌دهنده آن است که اعتراضات به بخشی از معادله فشار خارجی تبدیل شده‌اند. در چنین فضایی، تفکیک میان مطالبات واقعی داخلی و بهره‌برداری بیرونی، به یکی از چالش‌های اصلی مدیریت بحران در ایران بدل شده است.

مجموع این عوامل، تهران را با ضرورت بازاندیشی در اولویت‌های راهبردی مواجه کرده است. سیاست‌هایی که سال‌ها به عنوان سرمایه‌گذاری‌های ضروری برای امنیت و بازدارندگی معرفی می‌شدند، اکنون در معرض پرسش‌های جدی قرار گرفته‌اند. در شرایطی که هم منابع اقتصادی محدودتر شده و هم محیط منطقه‌ای نامطمئن‌تر است، چالش اصلی پیش‌روی تهران، یافتن توازنی جدید میان الزامات داخلی، فشارهای خارجی و حفظ ثبات کلی کشور است؛ توازنی که بدون اصلاح رویکردها و کاهش هزینه‌های انباشته، دستیابی به آن دشوار به نظر می‌رسد.

فرصت طلایی «بازگشت به مردم»؟

پس از جنگ ۱۲روزه، فضای سیاسی-اجتماعی ایران در مقطعی کم‌سابقه و حتی بی‌سابقه و طلایی قرار گرفت. در شرایطی که تهدید خارجی و جنگ به‌طور عینی تجربه شد، نوعی همدلی ملی و احساس سرنوشت مشترک میان بخش‌های مختلف جامعه شکل گرفت. جنگ تحمیلی نتانیاهو و ترامپ یک پاس گل برای تهران بود؛ چراکه وضعیت پساجنگی در کشور حول محوری به نام «ایران» می‌توانست مبنای یک «تغییر پارادایم» در نسبت دولت و جامعه باشد؛ تغییری که با بازتعریف اولویت‌ها، بازگشت به مطالبات انباشته‌شده اجتماعی و ترمیم شکاف‌های سیاسی، زمینه بازسازی سرمایه اجتماعی را فراهم کند. با این حال، این فرصت بی‌بدیل به‌تدریج از دست رفت و جای خود را به موج جدیدی از نارضایتی‌ها و اعتراضات داد.

نخستین عامل، تداوم همان الگوهای پیشین حکمرانی بود. انتظار عمومی این بود که پس از عبور از بحران خارجی، رویکردها در حوزه سیاست داخلی، اقتصاد و مدیریت اجتماعی دچار بازنگری شود. اما بازگشت سریع به رویه‌های قبلی، از جمله اولویت‌ندادن گفت‌وگوی اجتماعی و تأخیر در اصلاحات ساختاری، این پیام را منتقل کرد که تجربه جنگ، تغییری در فهم مسائل داخلی ایجاد نکرده است. این امر به فرسایش سریع سرمایه همدلی پس از جنگ انجامید.

دومین عامل، تشدید فشارهای معیشتی در ماه‌های پس از جنگ بود؛ به‌خصوص پس از فعال‌سازی ماشه و بازگشت قطع‌نامه‌های شورای امنیت عملا افزایش نوسانات ارزی، رشد قیمت کالاهای اساسی و نااطمینانی نسبت به آینده اقتصادی، بار دیگر شکاف میان وعده‌ها و واقعیت‌های زندگی روزمره را برجسته کرد. در چنین شرایطی، همدلی ناشی از تهدید خارجی نمی‌توانست جایگزین پاسخ‌های ملموس به مطالبات اقتصادی و اجتماعی شود. جامعه‌ای که احساس کند هزینه‌ها یک‌طرفه بر دوش آن گذاشته شده، به‌تدریج از وضعیت هم‌گرایی خارج می‌شود.

عامل سوم، ضعف در مدیریت روایت و ارتباط با افکار عمومی بود. پس از جنگ، انتظار می‌رفت گفت‌وگویی شفاف‌تر با جامعه شکل گیرد و تصمیمات کلان با اقناع اجتماعی همراه شود؛ اما فقدان روایت واحد، اظهارنظرهای متناقض و نبود کانال‌های مؤثر شنیدن مطالبات، به تشدید بی‌اعتمادی انجامید. در نتیجه، فضای اجتماعی بار دیگر مستعد تبدیل مطالبات اقتصادی به اعتراضات گسترده شد. در نهایت، هم‌زمانی این عوامل با تلاش بازیگران خارجی برای بهره‌برداری از نارضایتی‌ها، شرایط را پیچیده‌تر کرد. فرصت پس از جنگ می‌توانست آغاز «بازگشت به مردم» باشد، اما تداوم شکاف‌های ساختاری، این فرصت را به نقطه‌ای رساند که همدلی ملی جای خود را به اعتراضات اجتماعی داد؛ مسیری که بیش از هر چیز محصول تصمیمات داخلی و نادیده‌گرفتن ظرفیت‌های ترمیمی جامعه بود.

جلال جلالی‌زاده: باید راهی برای «حل» اعتراضات پیدا کرد

جلال جلالی‌زاده در گفت‌وگویی با «شرق» و در تحلیل وضعیت سیاسی-اجتماعی کنونی ایران، با اشاره به شرایط پس از جنگ ۱۲روزه و فضای همبستگی و وفاقی که در آن مقطع در جامعه شکل گرفت، معتقد است: «آن وضعیت می‌توانست به فرصتی تاریخی برای تغییر رویکردها و اصلاح پارادایم‌های حاکم تبدیل شود، اما به دلایل متعدد این فرصت از دست رفت و کشور به مرحله‌ای رسید که اعتراضات بخش‌های مختلف جامعه را دربر گرفته است». به باور این فعال سیاسی، «ریشه اصلی این ناکامی را باید در انحصارگرایی، خودحق‌پنداری و نپذیرفتن خطاها و ناکارآمدی‌ها جست‌وجو کرد؛ رویکردی که مانع استفاده از فرصت‌های ایجادشده و زمینه‌ساز تعمیق بحران‌ها شده است».

این فعال حزبی تأکید می‌کند: «در جریان حمله خارجی، طبیعی بود که اکثریت جامعه، فارغ از اختلافات داخلی، در دفاع از کشور و تمامیت سرزمینی موضع واحدی اتخاذ کنند، اما مسئله اصلی پس از عبور از بحران خارجی آن است که آیا باید به همان رویه‌های پیشین بازگشت یا مسیر اصلاح و بازنگری را در پیش گرفت». از نگاه این مدرس دانشگاه، «جامعه ایران پیش از این نیز با مجموعه‌ای از مشکلات انباشته مواجه بوده است؛ ازجمله تورم مزمن، بیکاری، کاهش شدید قدرت خرید، احساس تبعیض و نابرابری، محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی و کاهش اعتماد عمومی به نهادهای رسمی و سازوکارهای اصلاحی. این فشارهای متراکم، جامعه را در وضعیتی شکننده قرار داده بود».

نماینده مجلس ششم، افزایش مداوم و شتابان نرخ ارز و اظهارنظرهای متناقض برخی مسئولان را عاملی تشدیدکننده می‌داند که به‌طور روزانه بر نگرانی‌های معیشتی مردم افزوده و نارضایتی را از اقشار فرودست به طبقه متوسط و حتی بازاریان گسترش داده است. به گفته این عضو حزب اتحاد ملت، «هیچ رویداد اجتماعی را نمی‌توان بدون توجه به علل و زمینه‌های آن تحلیل کرد و اعتراضات اخیر نیز محصول زنجیره‌ای از علل ساختاری و مزمن است. در این میان، به‌جای پذیرش ضعف‌ها و ناکارآمدی‌ها، اغلب به رویکردهایی تکیه شده که می‌توان همه مسائل را با ابزارهای سخت مدیریت کرد».

جلالی‌زاده یکی دیگر از مشکلات بنیادین را پراکندگی مراکز تصمیم‌گیری می‌داند؛ وضعیتی که در آن، در حالی که مسئولان دیپلماسی در خارج از کشور از مذاکره سخن می‌گویند، در داخل پیام‌هایی متناقض مخابره می‌شود. این تعارض، تصمیم‌گیری مؤثر را دشوار کرده و میدان را برای جریان‌های رادیکال و گروه‌هایی که از تحریم‌ها و شرایط بحرانی منتفع می‌شوند، باز گذاشته است؛ گروه‌هایی که به گفته او، حاضر نیستند از امتیازات و رانت‌های خود چشم‌پوشی کنند.

این استاد دانشگاه با اشاره به وعده‌ها و شعارهای دولت جدید، تصریح می‌کند: «ناتوانی دولت در تحقق این وعده‌ها، در حالی که جامعه به‌خوبی از موانع و محدودیت‌های ساختاری آگاه است، به افزایش ناامیدی سیاسی انجامیده است».

نماینده ادوار مجلس با تأکید بر اینکه «جمع‌کردن» اعتراضات با «حل‌کردن» آنها تفاوت ماهوی دارد، هشدار می‌دهد که تکرار الگوهای گذشته نمی‌تواند به حل پایدار بحران منجر شود. بنابراین باید راهی برای «حل» اعتراضات پیدا کرد، نه اینکه معترضان را «جمع» کرد. این تحلیلگر سیاسی یادآور می‌شود: «اگرچه در ظاهر حق اعتراض در قانون اساسی به رسمیت شناخته شده است، اما در عمل هرگونه اعتراض به‌سرعت با برچسب براندازی مواجه می‌شود». از نگاه او، «اعتراض حق طبیعی شهروندان است و حاکمیت باید آن را به‌عنوان بخشی از حیات سیاسی سالم بپذیرد».

در پایان، جلالی‌زاده با اشاره به وضعیت نامتعادل اقتصاد، ریزش طبقه متوسط، گسترش فقر، مهاجرت نخبگان و سرمایه‌ها، تأکید می‌کند: «کشور نه در مسیر رشد قرار دارد و نه دچار سقوط کامل شده است، بلکه در وضعیتی فرسایشی و بلاتکلیف به سر می‌برد». به باور او، «تنها راه برون‌رفت از این وضعیت، اتخاذ رویکردی عقلانی، تدبیرمحور و اصلاح‌گرایانه و انجام اقدامات اساسی برای جلب رضایت و اعتماد مردم است».

عیسی چمبر: بحران‌ها می‌گذرند، اما فرسایش سرمایه اجتماعی انباشته می‌شود

عیسی چمبر هم دیگر چهره سیاسی بود که در گپ‌وگفت خود با «شرق»، ابتدا به ساکن اذعان دارد: «واقعیت این است که پس از جنگ ۱۲روزه، فضایی کم‌سابقه از هم‌گرایی و همدلی در جامعه ایران شکل گرفت و بسیاری آن مقطع را فرصتی جدی برای تغییر رویکردها و ترمیم شکاف‌های سیاسی و اجتماعی می‌دانستند. بااین‌حال، این نخستین بار نبود که مردم ایران با اتکا بر سرمایه اجتماعی خود، کشور را از یک بحران بزرگ عبور می‌دادند. تجربه‌های مشابه در گذشته نیز وجود داشته، اما مسئله اساسی آن است که نظام تصمیم‌گیری معمولا از این بزنگاه‌ها درس نهادی نمی‌گیرد. هر بار بحران با هزینه مردم پشت سر گذاشته می‌شود، اما اصلاحات بنیادین به تعویق می‌افتد و مسائل حل‌نشده، به‌تدریج انباشته می‌شود تا کشور وارد بحران بعدی شود».

به تعبیر رئیس هیئت داوری حزب ندای ایرانیان، «در چنین شرایطی، آنچه بیش از هر چیز نگران‌کننده است، فرسایش تدریجی سرمایه اجتماعی است. اگرچه می‌توان امیدوار بود که این بحران نیز مانند موارد پیشین، با اتکای دوباره بر همراهی جامعه مدیریت شود، اما استمرار این الگو به تضعیف اعتماد عمومی منجر می‌شود. نشانه‌هایی از درک این مسئله در برخی سطوح دیده می‌شود، اما این نشانه‌ها کند است و با عمق مشکلات تناسب ندارد».

این فعال سیاسی اصلاح‌طلب ادامه داد: «بخش مهمی از نارضایتی‌های کنونی ریشه در ناترازی در حوزه نمایندگی سیاسی دارد. بخش درخور توجهی از جامعه، به‌ویژه جوانان و زنان، احساس می‌کنند در ساختار رسمی سیاست، نماینده‌ای ندارند که بتواند مطالبات و دغدغه‌های آنان را بازتاب دهد. این احساس بی‌نمایندگی، زمینه‌ساز انتقال اعتراض از عرصه مطالبه‌محور به خیابان شده است. اگر شهروندان احساس کنند در مجلس، شوراها، دولت و نهادهای تصمیم‌گیر، صدا و نماینده‌ای دارند، احتمال بروز اعتراضات پرهزینه خیابانی به‌شدت کاهش می‌یابد».

جلال جلالی‌زاده: جامعه ایران پیش از این نیز با مجموعه‌ای از مشکلات انباشته مواجه بوده است؛ ازجمله تورم مزمن، بیکاری، کاهش شدید قدرت خرید، احساس تبعیض و نابرابری، محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی و کاهش اعتماد عمومی به نهادهای رسمی و سازوکارهای اصلاحی. این فشارهای متراکم، جامعه را در وضعیتی شکننده قرار داده بود

عیسی چمبر: بخش مهمی از نارضایتی‌های کنونی ریشه در ناترازی در حوزه نمایندگی سیاسی دارد. بخش درخور توجهی از جامعه، به‌ویژه جوانان و زنان، احساس می‌کنند در ساختار رسمی سیاست، نماینده‌ای ندارند که بتواند مطالبات و دغدغه‌های آنان را بازتاب دهد. این احساس بی‌نمایندگی، زمینه‌ساز انتقال اعتراض از عرصه مطالبه‌محور به خیابان شده است

بنابراین، رئیس هیئت بازرسی حزب ندای ایرانیان تأکید دارد: «در این چارچوب، بازنگری در قوانین مرتبط با صلاحیت‌ها، گزینش‌ها و سازوکارهای ورود به عرصه تصمیم‌گیری، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. حل این مسئله می‌تواند بسیاری از مشکلات دیگر را نیز به تبع خود تعدیل کند. از سوی دیگر، نسبت‌دادن ریشه بحران‌ها به عوامل خارجی خطای تحلیلی است. نه امیدبستن به بیرون و نه هراس از مداخله خارجی، هیچ‌کدام راهگشا نیست. مسائل ایران، راه‌حل ایرانی دارد و درمان آن در داخل کشور است».

چمبر این را هم متذکر می‌شود که «راه برون‌رفت از وضعیت کنونی، گفت‌وگوی واقعی میان حاکمیت، احزاب و جامعه است؛ گفت‌وگویی که صرفا شنیدن نباشد، بلکه به ایجاد کانال‌های مؤثر مشارکت سیاسی منجر شود. با وجود فشارهای شدید اقتصادی، همچنان امکان عبور از این شرایط از مسیر عقلانیت، اصلاح و گفت‌وگو وجود دارد؛ مشروط بر آنکه تصمیم‌های اساسی با شجاعت و درک واقعیت‌های اجتماعی اتخاذ شود».

خبر

نمایندگان مجلس خطاب به مردم: ما هم «معترض» هستیم

نمایندگان مجلس شورای اسلامی ضمن ابراز همراهی با مردم تأکید کردند که مجلس نیز نسبت به گرانی‌های افسارگسیخته معترض است و دولت باید تلاش خود را برای بهبود وضعیت به کار گیرد. به گزارش ایسنا، نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جریان جلسه دیروز مجلس، تذکرات شفاهی خود را خطاب به وزرای دولت و مسئولان اجرایی کشور طرح کردند.

زهرا سعیدی، نماینده مردم مبارکه در مجلس شورای اسلامی، در تذکر شفاهی خود بیان کرد: بهتر است سکوت کنیم اما حق مردم را باید گفت، ایران بدخواهان تاریخی زیاد دارد؛ بنابراین به دشمنان بیرونی می‌گوییم که در دعوای خانوادگی دخالت نکنید و به دنبال رفع مشکلات خود باشید و به مردم عزیز که حق اعتراض دارند می‌گوییم خط آنها از اغتشاشگران جداست. او در ادامه با تأکید بر اینکه ما هم اعتراض داریم، اظهار کرد: ما هم نسبت به امضاهای طلایی و بی‌توجهی نسبت به تبدیل وضعیت نیروهای شرکتی که مجلس تصویب کرد اعتراض داریم. چرا باید التماس کنیم که سؤال و استیضاح از مسئولان در صحن مطرح شود؟ ما هم می‌فهمیم تحریم‌ها را می‌شد بهتر اداره کرد و مردم هم این را می‌دانند اما به رغم مشارکت ۷۷درصدی آنها در انتخابات اما هنوز احساس می‌کنند که پناهگاهی ندارند.

عباس قدرتی، نماینده مردم شیروان در مجلس شورای اسلامی، در تذکر شفاهی خود بیان کرد: مهم‌ترین رکن سیاست‌ها باید تثبیت قیمت‌ها و عدالت اقتصادی باشد. رهبری سیاست‌ها را تبیین کرده‌اند و ما هم در این زمینه قانون تصویب کرده‌ایم، پس دیگر جای تعلل نیست و باید عملیاتی شود. او خطاب به وزیر امور اقتصادی و دارایی، ادامه داد: مردم عدالت و مبارزه با فساد و گران‌فروشی می‌خواهند که خواسته رهبری و مجلس نیز بوده، بنابراین باید به‌سرعت اجرا شود. مگر شما وزیر اقتصاد کشور نیستید؟ مگر قرار است جای شما پشت میز و صندلی دفترتان باشد؟ مگر کلاس درس است که هنوز در عالم تئوری و کاغذ سیر می‌کنید؟ به بازار بیایید و ببینید آیا احساس گرانی می‌کنید و اگر توانایی عملیاتی‌کردن سیاست‌های ابلاغی را ندارید استعفا دهید. قدرتی خاطرنشان کرد: تا زمانی که قیمت‌ها تثبیت و سفره مردم به عدالت نزدیک نشود، مطالبه‌گری ما به عنوان وکیل آنها محکم ادامه خواهد داشت.

احد آزادی‌خواه، نماینده مردم ملایر در مجلس شورای اسلامی در تذکر شفاهی خود خطاب به وزیر راه و شهرسازی با انتقاد شدید از وضعیت حقوق و دستمزد در کشور خطاب به رئیس‌جمهور گفت: آقای رئیس‌جمهور، وضعیت حقوق و دستمزد در کشور فاجعه‌بار، ناعادلانه و ظالمانه است. آقای پزشکیان، یک بار برای همیشه در دولت خود این مسئله را سامان دهید. از طریق سازمان اداری و استخدامی، نظام حقوق و دستمزد را مدیریت کنید. نمی‌شود نیرویی با مدرک و سابقه مشخص در یک شرکت دولتی حقوقی بگیرد و همان فرد یا فردی مشابه در یک وزارتخانه، نصف آن حقوق یا بالعکس دریافت کند؛ این عین بی‌عدالتی است و باید تدبیر شود. او همچنین بر لزوم برخورد قاطع با مدیران متخلف تأکید کرد و گفت: آقای رئیس‌جمهور، مدیری که در دادگاه بدوی و تجدیدنظر محکوم شده، نباید در دولت شما باقی بماند. تعارف نباید داشت. این مطالبه معترضان است.

محمدحسین محمدی، نماینده مردم سلسله و دلفان در مجلس شورای اسلامی، در تذکر شفاهی خود خطاب به رئیس‌جمهور و وزیر کشور، تأکید کرد: امروز معیشت مسئله اول کشور است؛ ما نمایندگان امروز خجالت می‌کشیم در بین مردم حاضر شویم. او با یادآوری سخنان رئیس‌جمهور در ۲۰ ماه گذشته در برنامه‌های تلویزیونی مبنی بر اینکه اگر نتوانیم مشکلات معیشتی مردم را رسیدگی کنیم کنار می‌رویم، افزود: امروز پاسخ مردم را چه می‌دهید؟ امروز با سفره خالی مردم چه می‌کنید؟ برنج، نان، گوشت، مرغ و پروتئین گیاهی از سفره‌های مردم حذف شده و سفره‌های مردم پاره‌پاره است و ما نیز پاسخی برای مردم نداریم. او با بیان اینکه زمانی که مردم در بر